

امروز از نظر تاریخ ما در موقعیتی قرار داریم که باید بیش از هر چیز به عمل برداشت. اگر ما فرهنگ ایران، این فرهنگی که حیات معنوی ما را در طول قرن‌ها و دوره‌های پر آشوب تضمین کرده است علاقمند هستیم، باید برای بقای آن، برای ادامه آن و برای برابری آن با فرهنگ کنونی دنیا بدون تردید بانیرومی خستگی ناپذیر بکوشیم. هنرمندان بزرگ گذشته ما بهترین نمونه این فعالیت و فداکاری در راه ترقی شئون فرهنگی ایران هستند.

نمایشنامه نویسی در ایران سابقه زیادی ندارد و ما هنوز موفق نگشته‌ایم که برای هنرهای نمایشی ایران مکتب مشخص و ملی داشته باشیم.

هنرمندان ما گو، آنکه با نمایش آثار نویسندگان مغرب زمینی ما را با هنرهای نمایشی آشنا نموده اند و تاجحدودی سطح دانش هنری اجتماع ایران را بالا آورده اند ولی از طرفی قدم‌های مؤثری در راه تثاتر ملی ایران برداشته نشده و اگر هم جسته گریخته کسانی دست بکار نویسندگی و نمایش آثار ملی شده اند از آنجا که بی گیر نبوده است به نتیجه نرسیده بطوریکه میشود گفت در طول سی سال که از عمر هنرهای نمایشی ایران بخصوص تثاتر ایران میگذرد هنوز موفق نگشته‌ایم که راه هنرهای نمایشی ملی خود را مشخص کنیم و برای آن هنرمندان شایسته و نویسندگان با ذوقی داشته باشیم.

مادریان ادبیات گذشته خود بخصوص داستان‌های منظوم فردوسی و نظامی به موضوعها و روایات جالب و دلنشینی بر میخوریم که از هر لحاظ برای نمایش مناسب و آماده است. هر یک از داستانهای فردوسی را انتخاب کنیم می‌تواند موضوع جالبی برای یک نمایشنامه باشد، منتها استفاده از این داستانها بصورت معمولی نگذشته لذا آنکه در راه هنر ملی ایران خدمتی محسوب نمیشود بلکه آنرا میشود بکنوع سوء استفاده نامید.

میبایست این داستانها بدست کسانی که با هنر نمایشنامه نویسی آشنائی و قدرت و توانائی ادبی و تخیل قوی دارند بصورت نمایشنامه درآید و همچنین برای بروی صحنه آوردن آن کمال دقت و بصیرت بکار رود تا بشود از آن داستانها، هنری ملی بوجود آورد. شخصیت معنوی و هنری ما روزی ثابت میشود که هنرهای ملی ما بتواند با هنر جهانی برابری کند. اگر قرار شود روزی هنرمندان رشته نمایشی ما بخواهند در جشنهای بین‌المللی نمایشی و فستیوال‌های تثاتر شرکت نمایند برنامه آنها را نمی‌پذیرند مگر آنکه نمایشنامه آن گروه یک اثر ملی ایرانی باشد.

منبع دست نخورده و با ارزش دیگری که میشود برای بوجود آوردن هنرهای ملی از آن استفاده کرد * فلکلور * ایران است.

مجموعه ترانه ها، افسانه ها، ضرب المثل ها، رسوم و عقاید هر ملت که نمونه خواستها و نیازمندیهای آن ملت در دوره های مختلف تاریخی است، فلکلور نام دارد.

اینهمه افسانه های زیبای ایرانی با فانتزیهایش، چرا نباید منشع الهام هنرمندان ما قرار گیرد؟

مگر نه اینستکه هنرمندان بزرگ جهان با ارزش ترین آثار خود را روی فلکلور ملت خود خلق کرده اند؟

* استرالیسکی * موضوع باله های خود * بتروشکا، مرغ آتش * را از افسانه های شرقی کشور خود اقتباس کرده است.

* ژان کوکتو * سوژه داستانها و فیلم هایش از قبیل * ارفه * را روی افسانه ها نوشته است. همچنین نویسندگان گذشته اروپا * هوگو، شاتوبریان، گوته، دانته * هر یک چند اثر فلکلور بک دارند که ارزش فوق العاده دارد.

و حال آنکه فلکلور ایران بخصوص افسانه های ملی ما زیبا ترین و عمیق ترین افسانه های شرقی است. نباید فراموش کرد که:

این افسانه های پر هیجان و شورانگیز، این ترانه های زیبای عامیانه صدای یک قوم و ملت است که طی سده ها سال زیر تأثیر احساسات مختلف بوجود آمده، پرورش یافته و بگوش ما میرسد. ما بر این میتوان گفت فلکلور هر ملت زنده ترین سندی است که روحیات و طرز تفکر گذشتگان را نسبت به جهان و زندگی بدست آیندگان میسپارد.

هنرهای نمایشی ما که در حقیقت دوران کودکی خود را میگذرانند احتیاج برهنمانی دارد، اگر از امروز بی راهه برود فردا محکوم بزوال خواهد بود بدین جهت برعهده هنرمندان است که با مرعبت و بصیرت کامل راه آینده را روشن نمایند و اولین سنگ بنای عظیم هنرهای نمایشی ملی ایران را پایه گذاری نمایند، ما بر حسب وظیفه ای که داریم از نظریات هنرمندان و محققین هنری استفاده کرده و برای پویندگان راه هنرهای نمایشی راهنما خواهیم بود، باشد که این خدمت ناچیز باعث ایجاد دلبستگی و علاقه هنرجویان و هنردوستان نسبت به هنرهای ملی ایران گردد و اقدامات نمر بخشی در زمینه هنرهای نمایشی ایران شروع گردد.

ح ۰ ش

